



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۲ اگست ۲۰۲۱

نجیب سخی

کوششی در جواب سوال انوری صاحب !

آیا زبان در دو محیط، دو شکل متفاوت را میگیرد . این وضعیت در دو حالت میتواند اتفاق افتد : یکی اینکه زبان را بدون گویندگان آن بسرزمینی انتقال بدهند ، یعنی اینکه زبانی قبلاً وجود داشته و زبان دیگری بدان افزوده شود: مثلاً در ربع اول قرن نژده ؛انگلیس جهت حفظ هندوستان زبان پارسی دری و تمدن خراسانی را از هند بایران صادرکرد، که ایرانیها؛ این زبان را با لهجه محیط و زبان مادری شان آمیختند ؛اما نتوانستند آنرا مضمحل کنند ،که تا امروز درین کشور یکزبان درسی و رسمی یعنی زبان پارسی دری و یکزبان محاوره یعنی زبان فارسی شیرازی ، که اختلاطی از زبانهای پارسی،کردی، ترکی، ترکمن و... میباشد؛ وجود دارد .

درین صورت زبان طبعیاً تغیر نمیخورد ؛مگر اینکه آنرا قهراً تغیر بدهند :مثال آنکه فرهنگستان ایران جهت تعرض بر زبان پارسی تاریخی بوجود آمده است . این یک عمل عمدی و قهری است ،و نه؛ طبیعی و خود جوش! که گویندگان اصلی پارسی دری باید در برابر آن مقابله و ایستادگی کنند.

حالت دوم اینکه: زبان با گویندگانش از یک منطقه کوچ کرده و درجای دیگری مستقر می شوند ،که دشت و زمین خالی از سکنه اصلی بوده ، و زبان تازه رسیدهها بصورت زبان واحد عرض وجود میکند . درینصورت آب و هوا ساختمان اراضی ، ارتفاع از سطح بحر ،مواد و رژیم غذائی بالای نحوه تلفظ در تمادی ایام تأثیر میگذارد ، مثال آنرا فرانسویهائی تشکیل میدهند که بکانادا مهاجرت کردند ؛زبانشان فرانسوی است ؛اما بالهجه شدیداً متفاوت ،ویا تباین بین پارسی دری و پارسی تاجکستان و یا تفاوت لهجه بین دره های کوهستان صعب العبور و.... در مورد «جبریت » اولین بار است کاین کلمه را می بینم .

نویسنده مضمون آنرا در ردیف کلماتی چون : جنایت ، حکایت و شکایت بکار برده است ؛ مانند کلمه «گفتمان » این کلمه؛ لغت فرانسوی پارلمان است.«پارل» بمعنی گفت است، که ترجمه شده ؛

مان اش را در حالت فرانسوی اما برسم و خط پارسی نوشته کرده اند، و در ردیف کلمات چون : آسمان ، ریسمان و پشیمان قرار گرفته است . جبریت نیز اختراعی ذهنی است، کز کلمات مترادفش منشأ گرفته ، به هیچ ماده و معنی ئی اصابت نمیکند .

کلمه جبر به معنی شکسته بندی استخوان و کسی را بزور بکاری واداشتن است . که ضد فلسفی آن اختیار است. کلمات چون :جبریه ، جبار ، جبری ، جبراً ، جبران از آن مشتق شده اند. دو صفت خداوند را جبار و جبروت می خوانند . جبر؛ گاهی که جمع بسته شود چنانچه شما فرمودید «اجبار» نوشته میشود. در حالیکه این کلمه در مفهوم فلسفی اش ندرتاً بصورت جمع بکار میرود.

در زبان ما کلمات استمراری وجود دارد : مانند خیریت ، بشریت ، معنویت و ... ؛ این صفات دائم و قائم هستند، اگر جبر را درین وضعیت شامل کنند جبروت (ج،ب مفتوح،ر ساکن و مضموم و ت ساکن) گفته میشود و نه ؛ جبریت !. از اینجا است که اصطلاح جبریت وجود ندارد.

نویسنده در واقع خواسته آنرا به زعم خودش به صفت فاعلی تبدیل کند؛ در حالیکه جبر در حالت فاعلی جبار نوشته می شود .

در ذهن هر شخص تصوراتی خطور میکند و اگر آنرا جدا از قوانین املائی ، انشائی و دستوری ؛ بر زبان تاریخ دیده ما تطبیق کنند ؛ همین وضعیت کنونی از آن بیرون می شود ، که فردی در مورد چگونه و چرای زبان ما مینویسد؛ اما ابتدائی ترین خصوصیت دستوری آنرا مراعات نمیکند! این باصطلاح بزرگان: ملا ناشده سر منبر بالا می شوند .

شخصی دانشمندی چون جناب انوری صاحب که هویت ادبی و شخصیت سیاسی و روحیه وطنپرستی اش همین سایت وزین و دموکراتیک خپلواکی - استقلال را تأمین و ترتیب میکند؛ در شناخت شخص شان شک را روا میدارند ، که همین شک شما از دانشمندی شما نمایندگی میکند ، از محبت شما نسبت باین زبان و این مردم نمایندگی میکند . شناخت و موشگافی و رموز دانی شما را بر ملا میسازد، که مایه ئی افتخار است.

حضرت ابوالمعانی در وصف شما، و اشخاصی مانند شما ؛ این مصرع را سروده است .

رمز آشنای معنی هر خیره سر نباشد فضل سلیم طبع است ارث پدر نباشد

انوری صاحب آنچه بفکر قاصر من میرسید خدمت ارائه گردید.

باعرض حرمت !

هموطن گرانقدر جناب نجیب سخی سلام بر شما!

از حصه گرفتن شما در پاسخ به یک سوال، جواب مستدل و کاملاً قناعت بخش شما و نیز ذره نوازی های تان، دو دنیا سپاسگزارم. بر من منت گذاشتید. دست تان درد نکند. موفق و سرافراز باشید.